

## حقوق بشر: گفتمان مسلط جهانی سازی و فمینیسم

رکسانا بهرامی تاش \*

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۲۱ - تاریخ تأیید: ۹۸/۱۱/۳۰

DOI: 10.22096/hr.2020.121765.1205

### چکیده

فشار فزاینده‌ای از جانب ایالات متحده از طریق سازمان ملل برای اتخاذ تحریم‌های اقتصادی و سیاسی بر علیه ایران وجود دارد. کانون این تلاش‌ها، مسائلی همچون پیشینه حقوق بشر و حقوق زنان در ایران است. هر چند که بی‌تردید نقص حقوق بشر در ایران رخ می‌دهد، آنچه محور این مقاله قرار گرفته است، شرایطی است که در آن بحث‌های حقوق بشر در سطح بین‌المللی زمینه‌سازی می‌شود. این مقاله حاکی از این است که این بحث‌ها در درون يك گفتمان مسلط رخ می‌دهد که توسط انگلیس و آمریکا القا می‌گردد و بنابراین منافع آن‌ها را دنبال می‌کند. این مقاله به بحث در این مورد می‌پردازد که چگونه حقوق خاصی در مقابل حقوق دیگر و به طریقی برجسته می‌شود که استیلا و قدرت مسلط در حوزه سیاست و اقتصاد را تقویت نماید. مثال‌هایی ذکر خواهد شد از اینکه چگونه ابر قدرت اقتصادی و سوء استفاده آن از حقوق بشر، فعالیت‌های شرکت‌های چند ملیتی را تضعیف کرده است و از سیاست‌های اقتصادی واشنگتن که مورد بازخواست قرار نمی‌گیرد. مثال دیگری ذکر خواهد شد از اینکه چگونه [بحث] حقوق زنان که فمینیسم لیبرال غربی پیشاهنگ آن بود، از نو، برای پیشبرد برنامه استیلا مورد توجه و بزرگداشت قرار می‌گیرد. از لحاظ نظری این مقاله مبتنی بر مفهوم استیلا (Hegemony) از آنتونیو گرامشی و مفاهیم



«گفتمان حقیقی» و «برتری موضع» از میشل فوکو است (اسمیت، ۱۹۸۹، بهرامی تاش، ۲۰۰۵) گرامشی نشان می‌دهد که دانش استیلايي يك نظام فکری است که درگذر زمان شکل می‌گیرد. این نظام نماینده منافع طبقه غالب است که از عهده جهانی ساختن باورها و نظام‌های ارزشی خود برمی‌آید (۱۹۷۱). این باورها توسط نخبگان فکری، روشنفکران «سازمانی» طبقه غالب، شکل‌دهی و بازآفرینی می‌شود، و ساختارهای کنترلی را به وجود می‌آورد که از طریق «جامعه مدنی» نه دولت، تحمیل می‌گردد. در مورد حقوق بشر، ایدئولوژی غالب جهان غرب از طریق نهادهایی مستقل از حکومت‌های سلطه، همچون شورای امنیت سازمان ملل پیاده می‌شود. تحلیل گرامشی از سلطه را می‌توان با تحلیل فوکو کامل نمود که به نحوه شکل‌دهی يك «حقیقت» جهانی درباره کشورهای ناقض حقوق بشر در مقابل کشورهای مدافع حقوق بشر بر طبق ساختار اجتماعی روابط قدرت می‌پردازد. مقصود فوکو از مفهوم «گفتمان حقیقی» (۱۹۷۱)، گفتمانی است که در قبال سایر برداشت‌ها از واقعیت، محدودکننده و انحصارطلب است. چنین گفتمانی شامل مفاهیمی است که می‌تواند به درک چگونگی اعمال شدن اشکال مختلف قدرت کمک نماید. این است که کشورهای معدودی شورای امنیت را تشکیل می‌دهند، به تصمیم‌گیری در مورد نصف جهان می‌پردازند، و تصمیم‌هایشان به گونه‌ای است که از منافع سلطه محافظت می‌نماید. اعضای شورای امنیت خود به روش دموکراتیک انتخاب نمی‌شوند و مسئله عضویت دائم خود نشان‌دهنده این است که ساختار قدرت جهانی چگونه باز پرورده می‌شود و چگونه قادر است برنامه‌اش را از طریق نهاد بین‌المللی ظاهراً بی‌طرف و مستقلی همچون سازمان ملل تحمیل نماید. در بخش نخست این مقاله، مورد عراق مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد تا روشن شود که چگونه مسئله حقوق بشر طی بیش از يك دهه تحریم‌های اقتصادی بازیچه قرار گرفت.

واژگان کلیدی: حقوق بشر؛ جهانی‌سازی؛ فمینیسم؛ شرکت‌های چندملیتی.

## مقدمه

از لحاظ نظری این مقاله مبتنی بر که مفهوم استیلا (Hegemony) از اتونوگرامشی<sup>۱</sup> و مفاهیم «گفتمان حقیقی» (True Discourse) و «برتری موضع» (Positional Superiority) از میشل فوکو است (اسمیت، ۱۹۸۹؛ بهرامی تاش، ۲۰۰۵). گرامشی نشان می‌دهد که دانش استیلابی یک نظام فکری است که در زمان شکل می‌گیرد، این نظام نماینده منافع طبقه غالب است که از عهده جهانی ساختن باورها و نظام‌های ارزشی خود برمی‌آید (۱۹۷۱). این باورها توسط نخبگان فکری، روشنفکران «سازمانی» (Organic Intellectual) طبقه غالب، شکل‌دهی و ساختارهای کنترلی را به وجود می‌آورد که از طریق «جامعه مدنی»، نه دولت، تحمیل می‌گردد. در مورد حقوق بشر، ایدئولوژی غالب جهان غرب از طریق نهادهایی از حکومت‌های سلطه، همچون شورای امنیت سازمان ملل پیاده می‌شود. تحلیل گرامشی از سلطه را می‌توان با تحلیل فوکو کامل نمود که به نحوه شکل‌دهی یک «حقیقت» جهانی درباره کشورهای ناقض حقوق بشر در مقابل کشورهای مدافع حقوق بشر بر طبق ساختار اجتماعی روابط قدرت می‌پردازد. مفهوم فوکو از مفهوم «گفتمان حقیقی» (۱۹۷۱)، گفتمانی است که در قبال سایر برداشتها از واقعیت، محدود کننده و انحصارطلب است. چنین گفتمانی شامل مفاهیمی است که می‌تواند که به چگونگی اعمال شدن اشکال مختلف قدرت کمک نماید. این است که کشورهای معدودی شورای امنیت را تشکیل می‌دهند به تصمیم‌گیری در مورد نصف جهان می‌پردازند و تصمیم‌هایشان به گونه‌ای است که از منافع سلطه محافظت می‌نماید. اعضای شورای امنیت خود به روش دموکراتیک انتخاب نمی‌شود و مسئله عضویت دائم خود نشان‌دهنده این است که ساختار قدرت جهانی چگونه باز پرورده می‌شود و چگونه قادر است برنامه‌اش را از طریق نهاد بین‌المللی ظاهراً بی‌طرف و مستقلی همچون سازمان ملل تحمیل نماید.

در بخش نخست این مقاله مورد عراق مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد تا روشن شود چگونه مسئله حقوق بشر طی بیش از یک دهه تحریم‌های اقتصادی بازیچه قرار گرفت.

۱. اتونوگرامشی (۱۹۳۷-۱۸۹۱)

### نقض حقوق بشر در عراق

شاید هیچ نتواند مثل آنچه در عراق رخ داد، ماهیت مشکل دار گفتمان بین‌المللی حقوق بشر را بیان کند. غیرازاینکه عراق هم‌اکنون در آغاز يك جنگ نظامی است، دلایل بسیار دیگری وجود دارد که به بررسی وضعیت این کشور پرداخته شود. عراق در کنار ایران به‌عنوان عضوی از محور شرارت نامیده شد و در فهرست اهداف حکومت نئومحافظه‌کاران قرار گرفته است. بنابراین شایسته است به بازنگری سیر وقایعی بپردازیم که قبل از هجوم آمریکا اتفاق افتاد.

پس از تجاوز صدام حسین به کویت، در آگوست ۱۹۹۰ شورای امنیت سازمان ملل گسترده‌ترین تحریم‌های اقتصادی را در تاریخ وضع نمود. در هشت ماه نخست این تحریم‌ها از رسیدن دارو و غذا به مردم عراق ممانعت به عمل آمد. گرچه این منع ابتدایی دارو و غذا [بعداً] برداشته شد، تحریم‌ها همچنان با شدت ادامه یافت و فاجعه انسانی بزرگی را به وجود آورد. در طول دوره اعمال تحریم‌ها، شمار افرادی که در نتیجه آن مردند، بیش از شمار مجموع [کشته‌شده‌های] دو بمبی بود که در جنگ جهانی دوم در ژاپن انداخته شد. از جمله این مرگ‌ومیرها، نیم میلیون کودک است، هرماه در نتیجه تحریم‌ها بیش از ۴۰۰۰ کودک مردند که ۴۰۰۰ نفر بیش از میزان آن قبل از تحریم‌هاست، چراکه قبل از تحریم میزان مرگ میر کودکان بسیار پایین بود.

به خاطر آثار مصیبت‌بار تحریم‌ها، در ۱۹۹۰ برنامه نفت در برابر غذا جایگزین تحریم‌ها شد که به معنای مبادله نفت و در قبال دارو بود. بر اساس این برنامه شورای امنیت کمیته ویژه‌ای برای نظارت بر انتقال مواد مجاز به عراق تشکیل داد. اما این کمیته تحت نفوذ انگلیس و آمریکا موضع بسیار بی‌رحمانه‌ای بر علیه آن کشور اتخاذ کرد. تحویل دارو خصوصاً داروهای [ضد] سرطان و داروهای ساده‌ای همچون مرفین با ممانعت یا تأخیر مواجه می‌شد. عدم دستیابی به موقع به این داروهای حیاتی مصیبت بزرگی بود، چون سرطان در کشور در حال افزایش بود. میلیون‌ها اورانیوم ضعیف شده که توسط آمریکا و انگلیس در طول جنگ خلیج به جا ماند، و پس از جنگ پاک‌سازی نشده بود، موجب بی‌سابقه سرطان شد و عدم موفقیت در درمان سرطان یکی از علل عمده مرگ‌ومیر شهروندان عراقی خصوصاً کودکان بود. این کمیته ویژه همچنان به تأخیر انداختن و توقیف تجهیزات و تکنولوژی‌های اساسی همچون تجهیزات اشعه X، تجهیزات و حتی صابون و واکس

حقوق بشر: گفتمان مسلط جهانی‌سازی و فمینیسم / بهرامی تاش ۲۲۳

ادامه دارد. این اقدام با تأخیر ممانعت مواجه می‌شد (پیلگر ۲۰۰۱). همه این کارها به بهانه بازداشتن عراق از توسعه تسلیحات کشتار جمعی WMD انجام شد.

تحریم‌هایی که بر ضد عراق اعمال شد از هیچ منطقی پیروی نمی‌کرد، چنانکه جلسه شورای امنیت بسیار غیرانسانی [خود] در عراق را تداوم بخشید. بسیاری از مأموران سازمان ملل حدوحصر خشن تحریم‌ها و تحریم‌ها و نقض حقوق بشر استعفا دادند. در ۱۹۹۸ دنیس هالیدی استعفا نمود چون این را جنگی می‌دانست که علیه شهروندان عراقی و به مراتب شدیدتر علیه کودکان می‌دانست. دیگر چهره برجسته سازمان ملل، مشاور ارشد هماهنگ‌کننده در سازمان ملل در عراق از هالیدی تبعیت نمود. این استعفاها در مقابل چیزی بود که برخی آن را نسل‌کشی آمریکا و انگلیس از طریق شورای امنیت در عراق نامیدند. وقتی از مال‌الدین آلبرایت، وزیر خارجه دولت کلینتون پرسیده شد که آیا تحریم اقتصادی عراق که موجب مرگ نیم میلیون نفر شده است، سیاست عاقلانه‌ای است، وی در پاسخ اظهار داشت که «ما فکر می‌کنیم ارزش دادن این تاوان را دارد» چون عراق رهبر خطرناکی دارد.

جالب آنکه نگرانی مربوط به تسلیحات کشتار جمعی را که نهایتاً بهانه شد برای حمله آمریکا به عراق، در اصل خود آمریکا و انگلیس برای این کشور تدارک دیده بودند. در دهه ۱۹۶۰ بود که در بی کودتای طراحی شده از سوی سیا، حزب بعث و نهایتاً صدام حسین به قدرت رسید. چنانکه جان پیلگر (John Pilger) خاطرنشان می‌کند، یک عضو سیا گفته است «ما می‌دانیم که او (صدام حسین) فرزند یک پتیاره است، اما او فرزند ما از یک پتیاره است» (پیلگر، ۲۰۰۱). در اوایل دهه ۱۹۸۰ آمریکای تحت ریاست ریگان و انگلیس تحت حکومت تاچر وام‌ها و کمک‌هایی در اختیار صدام قرار دادند تا به کسب نیرو برای حمله به ایران و سرکوب دشمنان داخلی‌اش همچون کردها بپردازد.

اکنون پس از تجاوز به این کشور و پیدا نشدن تسلیحات کشتار جمعی در آن، عراق همچنان تحت اشغال، و آینده آن نامعلوم است. نقض حقوق بشر همچنان اتفاق می‌افتد. ۴۰۰۰ عکس که از زندان ابوغریب گرفته شده است وجود دارد، ولی این امر موجب صدور هیچ قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت بر علیه آمریکا نشد، و تنها باعث یک معذرت‌خواهی از مردم عراق گردید. دامنه تراژدی ابوغریب حتی برای افکار عمومی در آمریکا نی فاش نشده است، چه رسد به نقاط دیگر جهان.

### جهانی‌سازی و نقض حقوق بشر

گفتمان حقوق بشر، همان‌گونه که وقایع جاری در عراق را مورد بی‌اعتنایی قرار داده است، آنچه نظم جهانی اقتصاد بین‌الملل دارد بر سر جهان و محیط‌زیست می‌آورد نیز برخورد انکارگونه‌ای دارد. در حقیقت بسیاری از قدرتمندترین نهادهای کنترل اقتصاد جهانی، همچون بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، و سازمان تجارت جهانی، هیچ توجهی به مسئله حقوق اقتصادی و فقر ندارد. در ۱۹۴۴ نماینده‌های ۴۴ دولت برای بازسازی اروپای جنگ‌زده و طراحی آینده اقتصاد جهانی در برتون وود (Breton Wood) گرد هم آمدند. یکی از اهداف این نشست، ایجاد نظام مبادله پولی با دلار تثبیت‌شده به‌عنوان پول غالب بین‌المللی بود. این موقعیت، نقطه آغاز ایجاد موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت GATT، بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه، و صندوق بین‌المللی پول I M F شد. این نهادها به ابزاری تبدیل شدند که از طریق آن می‌بایست نسخه‌های واشنگتن برای توسعه جهان سوّم تحمیل گردد.

اکنون پس از گذشت بیش از نیم دهه از نظام مالی جهانی برتون وود طراحی شد، ما شاهد جهش بزرگی در کالاهای مصرفی و افزایش عظیم درآمد و ثروت که در تاریخ جهان بی‌سابقه است هستیم. این افزایش، با افزایش گسترده فقر و نابرابری درآمد در جهان هم‌زمان بوده است هم‌اکنون بیش از نیمی از صد اقتصاد بزرگ دنیا کشور نیستند، شرکت‌اند؛ [شرکت] وال مارت (Wal-Mart) از ۱۶۱ کشور بزرگ‌تر است. میتسوبیشی از چهارمین ملت پرجمعیت جهان، اندونزی، بزرگ‌تر است. جنرال موتورز از دانمارک بزرگ‌تر است. تویوتا از نروژ بزرگ‌تر است. سرجمع فروش ۲۰۰ شرکت جهان، بیشتر از یک چهارم فعالیت اقتصادی جهان است. نظام کنونی اقتصاد جهانی بی‌عدالتی گسترده‌ای را به وجود آورده است. از ۱۹۵۰ تاکنون جمع ارزش دلاری اقتصاد جهانی پنج برابر شده، و با این حال شمار مردمی که در فقر مطلق به سر می‌برند دو برابر گردیده است. سه نفر از ثروتمند اول این سیاره از ۴۸ کشوری که درصد کشورهای فقیر هستند، ثروتمندتراند. از ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ جمع ثروت ۲۰۰ نفر ثروتمندترین‌های جهان بیش از دو برابر شده است. در حال حاضر حدود ۳ میلیارد نفر، نصف جمعیت جهان با کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند که بیشتر آن‌ها زنان و کودکان هستند (گزارش توسعه انسانی، ۱۹۹۹).

حقوق بشر: گفتمان مسلط جهانی‌سازی و فمینیسم / بهرامی تاش ۲۲۵

جهان سوم تحت تأثیر مالی اقتصاد جهانی گرفتار بدهی‌های سنگینی شده است. نسخه واشنگتن برای توسعه به معنای این بود که بسیاری کشورها کمکی را دریافت کنند که قادر به بازپرداخت آن نبودند. مجموع بدهی کشورهای فقیر به حدی رسیده است که در ۱۹۹۹ به ۳ میلیارد دلار رسیده بود. در دهه ۱۹۹۰ تنها کشورهای فقیر ۷۷ میلیارد دلار به خاطر بهره کمک‌ها بیش از وام‌ها و کمک‌هایی که تازه به آن‌ها داده شد، پرداخت کردند. سیاست‌های تعدیل ساختاری SAPS به اسم توسعه، بسیاری از دولت‌های ملی را وادار کردند که محدودیت‌های اقتصادی را بر مردم خود تحمیل کنند و رفاه و خدمات اجتماعی را کاهش دهند (بهرامی تاش، ۲۰۰۵). این کمک‌ها غالباً به رهبران فاسد این کشورها که مورد حمایت آمریکا و انگلیس بودند داده شد که بیشتر آن‌ها باز در آمریکا یا انگلیس سرمایه‌گذاری کردند. شیلی نمونه واضحی است که یک کودتا با طراحی سیا توانست ژنرالی را در آنجا به قدرت برساند که همچنان مورد انزجار این کشور بود.

میلیون‌ها نفر از گرسنگی می‌میرند. روزانه ۳۰۰۰۰ نفر به خاطر بیماری‌های قابل‌پیشگیری از بین می‌روند. انسان‌های زیادی به خاطر عدم دسترسی به آب سالم جان می‌دهند. شکاف بین فقیر و ثروتمند هم داخل کشورها و هم بین کشورها رو به افزایش است. با این حال این نرخ افزایش بی سابقه فقر جهانی خارج از حوزه نگرانی حقوق بشر است. همراه با رشد عظیم اقتصادی، تخریب گسترده محیط‌زیست، نسل آینده ما را از دستیابی به هوا و آب سالم محروم می‌کند. فقر و تخریب محیط‌زیست موجب مرگ می‌شود و قتل نقض حقوق بشر است اما شیوه عملکرد نظام اقتصاد جهانی هیچ‌گاه جزء نگرانی‌های هیچ سازمان بین‌المللی قرار نمی‌گیرد. قدرت سلطه همچنان بر اینکه چه چیزی به عنوان مسئله مورد توجه مطرح شود تسلط دارد و مسائل دیگر پیوسته در سایه قرار دارد.

### فمینیسم و دفع همه اشکال تبعیض

نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم که مسائل زنان به صورت عمومی مطرح شد، و در سطح بین‌المللی جلب توجه کرد وقتی بود که در ۱۹۶۲، مجمع عمومی سازمان ملل، کمیسیون زنان را (که به عنوان کمیته فرعی کمیسیون حقوق بشر در ۱۹۴۶ تشکیل شده بود) مأمور تهیه گزارشی از نقش زنان در برنامه‌های اجتماعی و توسعه‌ای برای دولت‌های عضو کرد. از آن زمان آگاهی

از مسائل جنسیتی در سراسر جهان شتاب گرفت. هم‌زمان، بسیاری از محققان زن که شمار زیادی از آن‌ها مردم‌شناس بودند، از طریق کار میدانی خود به درک گسترده‌ای از واقعیت‌های زندگی بسیاری از زنان در سراسر جهان دست‌یافته بودند. از این‌رو بسیاری از زنان در سه سطح مختلف - سیاست‌گذاری، عمل‌گرایی سیاسی، و مجاهدت علمی در صدد فهم پیامدهای منفی روند غالب اقتصاد توسعه‌ای برای زنان برآمدند.<sup>۱</sup>

گرچه شکی نیست که مسئله فقر زنان موضوع مهم و حساس است و ۷۰٪ کسانی که با يك دلار در روز زندگی می‌کنند، زنان هستند، زمینه‌ای مسئله حقوق زنان و خصوصاً حقوق اقتصادی آنان در آن مطرح می‌شود، همچنان درون گفتمان سلطه موجود است. برخی از کشورها همچون ایران تحت فشار قرار می‌گیرند تا به عضویت کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان CEWDA دریاوند آمریکا همچنان از امضای این سند خودداری می‌کند. آمریکا به خاطر امتناع از پرداخت دستمزد مساوی برای کار مساوی به زنان، این سند را امضاء نمی‌کند. باین حال هیچ بحث یا فشار بین‌المللی در مورد امضای این عهدنامه بر علیه آمریکا وجود ندارد. کنوانسیون حقوق کودک به تصویب همه کشورهای غیر از دو کشور (آمریکا و سومالی) رسیده است.

جالب اینکه اخیراً يك گروه ضد فمینیستی که در واشنگتن مستقر است، تریبون بین‌المللی زنان IWF، ۱۰ میلیون دلار برای به راه انداختن دموکراسی برای زنان در عراق دریافت نموده است. در رأس این سازمان، همسر مایکل لدن (Michael Ledden) و همسر يك چینی قرار دارد. این سازمان هیچ تجربه بین‌المللی نداشته است و در ۱۹۹۱ توسط تعدادی از جمهوری خواهان سرشناس جناح راست پایه‌گذاری شد. این تلاش بود برای مقابله با تأثیر فمینیست‌های افراطی که طرفدار صلح بودند، از قبیل سازمان مللی زنان NOW، گروه‌هایی از عامه مردم و دارای حدود ۵۰۰۰۰۰ عضو مشترك در سطح مللی است.

دولت موقت عراق همچون افغانستان CEWDA را تصویب کرده است و قرار است در پرتو سازمان‌های اغلب جناح راستی آمریکا، در زمینه مسائل حقوق زنان پیشرفت داشته باشد. باز

۱. نک: خالدین و خالدین، ۲۰۰۳؛ پارپارت و دیگران، ۲۰۰۳.



حقوق بشر: گفتمان مسلط جهانی سازی و فمینیسم / بهرامی تاش ۲۲۷

این گفتمان حقوق زنان است که جالب است، و اینکه چگونه قدرت سلطه از عهده کنترل فمینیسم بین‌المللی که از نظر فنی (حقوقی) ضد سلطه است برآمده است.

به گفتمان سلطه در مورد حقوق بشر اشاره کردیم، ولی این اهمیت مسئله عضویت ایران در CEWDA نمی‌کاهد. در وضعیت ردّ امضای آن، جامعه بین‌الملل نقطه بسیار برای تمرکز در اختیار دارد، اما امضای آن باعث خواهد شد ایران به‌عنوان یک محور شرارت از کانون توجه کنار برود. این مخصوصاً به این دلیل دارای اهمیت است که کشوری همچون عربستان این سند را امضاء کرده است و در این موقعیت، و عدم تصویب آن از سوی ایران فرصتی فراهم می‌کند برای آن‌هایی که می‌خواهند ایران را منزوی کنند، از این مسئله به سود خود بهره‌برداری کنند.

مقاومت کنونی در برابر مسئله حقوق زنان، ریشه در گفتمان بین‌المللی سلطه در مورد حقوق دارد و ایران با امضای این موافقت‌نامه می‌تواند با پذیرفتن این سند که بر اساس روح عدالت نگاشته شده است، بر گفتمان غالب فائق آید. مسلمانان از لحاظ تاریخی دارای پیشینه عدالت اجتماعی بوده‌اند و پذیرفتن این موافقت‌نامه خارج شدن از يك سنت دیرینه است. امضای این سند نشانه ضعف نیست، بلکه نشانه اعتماد به نفس باور به روح عدالت جهانی است.

حقوق اقتصادی، حقوق زنان و حقوق زیست‌محیطی مسائل اضطراری نظم جهانی کنونی‌اند و امضای CEWDA (کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان) یا دیگر اسناد بین‌المللی نقش مؤثرتری را برای ایران در عرصه بین‌المللی به ارمغان خواهد آورد. دلیلی ندارد که ایران به‌جای منزوی شدن، با تأکید بر حقوق دیگر همچون حقوق اقتصادی و محیط‌زیست، گفتمان کنونی سلطه را به چالش نکشد.

کتاب‌نامه

- Bahramitsh, Roksana (2005). "The War on Terror and Orientalism Feminism: Case Studies of Two North American Best Sellers", *The Critique: Journal of Middle Eastern Studies*, Vol. 15, No. 1.
- Bahramitsh, Roksana (2005). *Liberation from Liberalization: Gender and Globalization in Southeast Asia*, London: Zed Books.
- Beneria, Lourdes (2003). *Gender, Development and Globalization*, London: Routledge.
- Gramsci, Anthony (1971). *Selections from the Prison Notebook*, Quinton Hoare and Geoffrey Nowell-Smith (eds.), New York: International Publishers.
- Kabeer, Naila and Ramya Subrahmanian (eds.) (1999). 'Introduction', *Institutions, Relations and Outcomes*, London: Zed Books.
- Khalideen, R. and N. Khalideen (2003). "Caribbean women in globalization and economic restructuring", *Canadian Women Studies*, Vol. XXI / XXII, No. 4/1.
- Parpart, Jane, Shirin M.Rai and Kathleen Staudt (2003). *Rethinking Empowerment: Gender and Development in a Global/Local World*, London: Routledge.
- Smart, B. (1989). "The Politics of Truth and the Problem of Hegemony", in David Couzenshoy (ed.) *Foucault: A critical Reader*. New York: Basil Blackwell.
- World Development Report (1999). *Globalization with a Human Face*, New York: the United Nation.